

**Developments and interactions of the Jewish minority in the country during
the Pahlavi period (1304-1357) with an emphasis on the role of Yazd**

*Seyyed Mansoor Emami Meibodi*¹

(DOI): [10.22034/MTE.2021.11325.1497](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.11325.1497)

Abstract

Original Article

P 30 - 52

Considering the prominent position of Yazd in Iranian and Islamic civilization, the present study tries to determine how much was the role and position of Jewish religious minorities, especially in Yazd during the Pahlavi era, in this process. In this research, the method of descriptive-analytical work and collection of library materials and examination of documents has been done in the Pahlavi period in the context of the interaction of the people of Yazd in various commercial-economic, cultural-social, religious fields with the Jews. The importance of economy and trade in the lives of Jews, staying in the cities of the trade route, the attention of Jews to the material added value in the housing in the commercial centers of Yazd and around the Grand Mosque of Yazd has been influential. Although no news or historical analysis has been found on this issue, the prejudice and harsh treatment of the clerics against them has been the reason for the fleeing of Jews from one region to another. There have been numerous interactions and confrontations between Shia Muslim and Jewish groups in Yazd, and despite this, the largest peaceful relations and interfaith interactions have taken place in Yazd. Apart from a few sources that are in the form of pamphlets or scattered materials, such as the study of religious minorities in the Qajar period (1175-1304 A.H.) or information booklets, etc., no comprehensive material has been authored.

Key words: Jews, Muslims, interaction, confrontation, Yazd, Pahlavi period.

¹ - Assistant Professor of Islamic Education Department, Farhangian University PO Box 889-14665, Tehran, Iran
Sm.emami@cfu.ac.ir

Received: 2021/08/01 | Accepted: 2021/12/02



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران، در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش)

با تأکید بر نقش یزد

سید منصور امامی میبیدی^۱شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2021.11325.1497](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.11325.1497)

علمی - پژوهشی

ص: ۵۲/۳۰

چکیده

با توجه به جایگاه برجسته یزد در تمدن ایرانی - اسلامی، پژوهش حاضر می‌کوشد تا مشخص کند نقش و جایگاه اقلیت‌های دینی یهودی در عصر پهلوی، در این فرایند تا چه اندازه بوده است؟ مهم بودن اقتصاد و تجارت در زندگی یهودیان شهرهای مسیر بازرگانی و نیز مادی‌گری آنان، در مسکن گزیدن ایشان در مراکز تجاری یزد و اطراف مسجد جامع کبیر یزد تأثیرگذار بوده است؛ ضمن آنکه تعصب و برخوردهای سخت‌مُلایان (روحانیت سنتی) در حق آنها، علت فراری شدن یهودیان از منطقه‌ای به منطقه دیگر بوده است.

با وجود این، بزرگ‌ترین روابط مسالمت‌آمیز و تعاملات ادیان، در یزد اتفاق افتاده است و آن در یک اتاقک کوچک (بقعه) است که ظاهراً مکان مقدس باستانی - تاریخی می‌باشد؛ واقع در خیابان انقلاب یزد. پیروان هر چهار دین فعال در یزد (اسلام، زرتشت، یهودیت و مسیحی)، آن بقعه را اجر نهاده و بسته به نوع نیات درونی خود، در آن نذر و نیاز و شمع روشن می‌کنند و دعا خوانده، حاجت می‌طلبند؛ درحالی‌که مسیحیان در تبلیغ مسیحیت که در سایه استعمار پیر انگلیس صورت می‌گرفت، موفقیتی حاصل نکردند و مردم یزد گرایشی چندانی به مسیحیت پیدا نکردند.

روش پژوهش، کتابخانه‌ای و بررسی مطالعه در اسناد و مراکز دینی اقلیت‌ها و مصاحبه‌های متعدد بوده است. به غیر از چند منبع که به صورت جزوه و یا مطالب پراکنده است، مثل کتاب *اقلیت‌های مذهبی دوره قاجار* (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش) و *یا کتابچه مخبری* و...، مورد جامعی تألیف نشده است.

واژگان کلیدی: یهودیان، مسلمانان، تعاملات، یزد، دوره پهلوی.

^۱ استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان صندوق پستی ۱۴۶۶۵-۸۸۹ تهران، ایران.

Sm.emami@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱



مقدمه

اطلاعات و اخبار اقلیت‌های جامعه یزد، بیشتر به اقلیت زرتشتی این منطقه مربوط است و در درجه بعدی، اقلیت یهودی قرار دارند که کمتر به آنها پرداخته شده است. وجود فرازونشیب‌هایی که در تعاملات و برخوردهای اکثریت جامعه مسلمان یزد با یهودیان بیگانه مقیم این منطقه در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش) وجود داشته، عواملی همچون دخالت بیگانگان در ایران و تحت فشار قرار دادن حکومت پهلوی، باعث شده است تا این تعاملات، نسبت به دوره‌های قبل، از نرمش و مسالمت بیشتری برخوردار باشد و این اقلیت، از زیر فشار تحقیرها و رفتارهای نامناسب و حتی قتل، غارت و لطمات جسمی، جانی، روحی و مالی، تا اندازه‌ای خارج گردند. نکته دیگر اینکه جدا از شناخت صحیح، روابط و تعاملات و برخورد و تضادها با اکثریت جامعه در هر دوره خاص، به‌ویژه روزگار گذشته بر هر ملتی، در ارتقای سطح معرفت دینی ضروری است.

دیدگاه اسلام و قرآن در مورد اقلیت‌ها

بین اهل ایمان و یهود و صابئان و نصاری و مجوس و آنان که به خدا شرک آوردند، محققاً روز قیامت جدایی افکنده خواهد شد که خداوند بر احوال همه موجودات عالم بینا و گواه است (حج: ۱۷). در طول دوره‌هایی از تاریخ، حکومت‌های استبدادی هیچ حقی برای مردم قائل نبودند (شریعتی، ۱۳۸۶: ۱۲). با گذشت زمان، حکومت‌ها حقوق مدنی مردم را به رسمیت شناختند؛ از جمله حق: حیات؛ تابعیت (امامی، ۱۳۸۹: ۱۶۰/۴)؛ تساوی در برابر قانون؛ آزادی فکر، عقیده و بیان؛ ابراز عقیده بر اساس دین خود؛ آزادی‌های سیاسی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱). در اسلام، اظهار عقیده افراد مادامی که مخل مبانی دین و یا باعث سست شدن عقیده مسلمانان نشود، آزاد است (شریعتی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). پیروان ادیان آسمانی که مایل به مسلمان شدن نیستند، به عنوان اهل ذمه، با قراردادی که میان آنها و اکثریت مسلمان جامعه منعقد می‌گردد، بر اساس آن، شهروند جامعه محسوب می‌شوند (تسخیری، ۱۳۸۳: ۲۴؛ تاج‌پور، ۱۳۴۴: ۱۴۰).

جمعیت یهودیان

بنیامین تودلایی^۱، گردشگر یهودی که در قرن ۱۲م (قرن ۴ش/قرن ۵ق) از ایران بازدید کرده است، جمعیت یهودیان در ایران را در آن زمان، حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر تخمین می‌زند (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۱۴۵). در دوره فتحعلی‌شاه (۴ بهمن ۱۱۵۰ خورشیدی - ۱ آبان ۱۲۱۳ خورشیدی)، یهودیان سی‌هزار نفر بودند (آفاری، ۲۰۱۵: ۳۷). دو دهه بعد از فتحعلی‌شاه، نوزده هزار نفر گزارش می‌گردد (اورسل^۲، ۱۳۵۳: ۲۲۴). در اوایل سده نوزدهم میلادی، یزد جمعیت ۶۰ تا ۷۰ هزار نفری و به قولی، یک‌صد هزار نفری داشته است (عیسوی^۳، ۱۳۶۹: ۳۸). بعد از انقلاب اسلامی، مهاجرت یهودیان از ایران شدت یافت و جمعیت یهودیان، از ۱۰۰۰۰۰ به ۴۰۰۰۰ نفر کاهش یافت.^۴

در یزد بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، در سال ۱۳۹۵، ۲۳۱۰۹ نفر زرتشتی، ۷۸ نفر مسیحی، ۱۰۰ نفر کلیمی و ۷۰۴ نفر سایر ادیان وجود داشته‌اند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران) که در دهه ۹۰، به ۳۵۰۰۰ نفر افزایش یافت. در حال حاضر، این جمعیت چیزی حدود ۴۰۰۰۰ نفر است که ۲۵۰۰۰ نفر از آنها در تهران ساکن هستند (افشارسیستانی، ۱۳۸۷: ۲۴۹ و ۲۵۰).

ورود اقلیت‌ها به ایران و دیدگاه حکومت‌ها در مورد آنها

اصطخری (تاریخ مرگ: ۳۴۰ه‍.ق/۹۵۱م یا ۳۴۶ه‍.ق/۹۵۷م) می‌نویسد: تمامی منطقه بین اصفهان تا تستر (شوشتر)، توسط یهودیان در تعداد آن‌قدر زیادی اشغال شده است که آن را باید یهودستان نامید (D.Loeb, 1977: 21). اصطخری همچنین ذکر می‌کند: یهودیان بعد از زرتشتیان و مسیحیان، سومین

^۱ بنیامین تودلایی یا بنیامین تودلایی (مرگ پس از ۱۱۷۳ میلادی)، جهانگرد، ماجراجو، بازرگان و خاخام یهودی ناواری بود. می‌نماید که بنیامین تودلایی، نخستین سیاح اروپایی است که به خاورزمین آمده است. او سفرش را پیرامون سال ۱۱۶۵ از شمال خاوری اسپانیا را برای زیارت به سوی اورشلیم آغاز کرد. گویا او در اندیشه مشخص نمودن جامعه‌های یهودی در راه اورشلیم بوده است. او شهریه‌شهر آمار یهودیان را گزارش نموده و از رویدادهایی سخن می‌راند. متن عبری سیاحت‌نامه او، نخستین بار در ۱۵۴۳ میلادی در قسطنطنیه به چاپ رسید. این کتاب، نه تنها برای آمار ارزشمندی که در باره زندگی یهودیان در شهرهای جهان آورده، بلکه در خصوص آمیزه نژادی خاورمیانه در آن روزگار هم منبع سودمندی است.

^۲ Ursel.

^۳ Issawi.

^۴ www.jta.org/1979/05/14/archive/white-house-official-denounces-execution-of-habib-elkanian.

جامعه بزرگ ایران هستند (Gil, BRILL, 2004 : 58). در دوران خلفای راشدین، رهبری سیاسی و اجتماعی یهودیان بر عهده شخصی به نام «رأس جالوت» بود که با از بین رفتن آن، جامعه یهودیان ایران دچار آسیب‌های فراوان شد. در دوران غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷ م / ۳۴۴-۵۸۳ هـ ق) و سلجوقیان (۴۲۹-۵۹۰ هـ ق)، رشد جامعه یهودی ادامه یافت. در دوره مغول، به ایشان فرصت شرکت فعالانه در امور حکومت داده شد. تیمور نیز به قول ابن عرب‌شاه دستور داد مسلمان و اهل ذمه را یکسان تباه سازند. در دوران صفویان که مذهب رسمی ایران «تشیع» اعلام شد، یهودیان بیش از هر زمان دیگری در مضیقه و در معرض تبعیض قرار داشتند (D.Loeb, 1977: 27). تنها در زمان روی کار آمدن نادرشاه افشار و پس از او زندیان بود که یهودیان روی آسایش دیدند و این روند به پایان رسید (Goldberg, 1996: 244).

برخورد حاکمان قاجاری (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش) با اقلیت یهود یزد قبل از مشروطیت

دوران قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش) برای یهودیان دوران بازگشت دوباره رنج‌هاست. برترین و زبردست‌ترین ماما‌های تهران در این دوره، زنان یهودی بوده‌اند و بالاترین دستمزد در میان زنان قابله را داشته‌اند (۱۳: ۲۰۰۷، Tsadik). با شروع پادشاهی آقامحمدخان (۱۲۱۰-۱۲۱۲ ق) که با حمایت پدر بزرگ یهودی مسلک خود، حاجی قوام شیرازی^۱، از بند گروگانان کریم‌خان در شیراز گریخته بود و نیز حمایت حاج ابراهیم کلانتر که گفته شده اصالت یهودی داشته است، از آقامحمدخان و خیانت او به لطفعلی خان (۱۱۸۳ هـ ق-۱۲۰۹ هـ ق) جهت تسهیل در دستیابی خان قاجار به قدرت، به نظر می‌رسد اوضاع اجتماعی و شیوه برخورد حکومتی با یهودیان، بهبود یافته بود. عدم اعتماد و سپس قتل حاج ابراهیم کلانتر و بازگشت رفتارهای نامناسب مسلمانان با یهود، تا آن حد پایین آمد که

^۱ خاندان قوام شیرازی، بر پایه نوشتارهای بسیاری، دارای اصلیت یهودی بودند و تا زمان پهلوی، در ایران بسیار پرنفوذ باقی ماندند. مردم شیراز می‌گفتند: «تا قبل از رضاشاه، قوام‌ها در اینجا (شیراز) شاه بودند. خاندان قوام شیرازی، از نسل پسران و برادران حاج ابراهیم کلانتر، صدراعظم آقامحمدخان قاجار هستند. این خاندان، نسب خود را به حاج قوام‌الدین، وزیر قرن ۱۴ شیراز می‌دانند که در شعرهای حافظ نیز به وی اشاره شده است. در نوشتارهای مخفی سفارت بریتانیا در سال ۱۸۹۰ در مقاله‌ای به عنوان «رجال مهم ایران»، این خاندان یهودی دانسته شده‌اند. ناصرالدین شاه قاجار نیز خانواده قوام را یهودی می‌دانست. پزشک یهودی اتریشی، پولاک که در قرن ۱۹ به ایران سفر کرده بود نیز در نوشتارهای خود، خاندان قوام را یهودی و محافظ یهودیان ایران دانسته است. علی محمد قوام، پسر ابراهیم قوام، با اشرف پهلوی، دختر رضاشاه ازدواج کرد. این ازدواج، تحت فشار پدر اشرف صورت گرفت و اشرف علاقه چندانی به این ازدواج نداشت. علی قوام پس از جدایی از اشرف، با خواهر اسدالله علم ازدواج کرد و علم نیز دختر ابراهیم قوام را به همسری گرفت.

امامی میبیدی: تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران در دوره پهلوی... ۳۵

آنها از ترس مصادره اموال و آزار و اذیتشان، پنهانی ادعای مسلمانی می‌کردند (آفاری^۱، ۲۰۱۵: ۱۳۷). منع شدن اقلیت یهود از پوشش لباس آن روز مسلمانان (عبا)، عدم آمدوشد آنها در روزهای بارانی، منع شدن از سوار بودن بر مرکب در وقت روبه‌رو شدن با مسلمانان، ممنوعیت دست زدن به کالاها و برخی دیگر از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی که برای این اقلیت از سوی مجامع شرعی و مذهبی برنامه‌ریزی گردیده و این اقلیت را به عنوان افراد نجس معرفی کرده بود، همگی نشان از برخوردها و تعاملات سخیفانه با این گروه را نشان می‌دهد. ادوارد پولاک، از نوعی تحقیر اجتماعی یهودیان از طرف همشهری‌های مسلمان آنان، و نیز اجحاف و زیاده‌ستانی جزیه سرانه از آنها به هر بهانه واقعی یا ساختگی خبر داده است (پولاک^۲، ۱۳۶۱: ۲۸).

مقرراتی همچون: منع نامگذاری اسلامی بر فرزندان یهود، منع استفاده از حمام مسلمانان، منع ورود و خرید از مغازه مسلمانان، به‌ویژه نانواپی و افتتاح مغازه در خیابان‌های شهر، عدم وجوب پرداخت دیه در برابر قتل یهودی، عدم رفت‌وآمد یهودی به تفریحگاه تابستانی، عدم استفاده از الاغ سفید، اجبار در عبور از کنار دیوار و در مجموع، شدت سخت‌گیری و ملزم بودن اقلیت یهود به این موارد، به حدی بود که تخلف از این قوانین، مجازات مرگ داشت (سرشار، ۲۰۱۵: ۱۰۲-۱۰۱). گزارش‌های چند قرن اخیر، بیانگر وضع فلاکت‌بار این اقلیت در یزد است (عیسوی، ۱۳۳۲: ۹۳). یکی از پدیده‌های رایج دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش) و پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) در یزد، به‌خصوص از اواسط این دوره، در واقع تقابل اقلیت‌ها و از جمله یهودیان با اقلیتی خودسر از مسلمانان یزد، یعنی لوطیان و شورشیان بود که گه‌گاهی، به‌ویژه در هنگام فترت اوضاع ناشی از مرگ هر پادشاه یا حتی برکناری حاکم محلی تا جلوس پادشاه یا آمدن حاکم جدید، آشفتگی نظم عمومی و... بروز بیشتری می‌یافت (تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۴۸). دوختن علامت خاص به لباس مردان یهودی برای متمایز شدن از مسلمانان و نیز استفاده از چادرهایی سفیدرنگ جهت شناخته شدن آنها از زنان مسلمانان و مواردی از این دست، حکایت از این دارد که اجتماع یزد و دست‌اندرکاران شرع، در پی آن بودند که مسلمانان یزد قبل از هرگونه برخورد و تعاملی، یهودی بودن آنان را سریع و بعینه دریابند و در همان ابتدای برخورد یا معامله با این گروه، احتیاط و محدودیت‌ها را رعایت کنند (تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۱۵۶). اخبار «هاکس» از فقر اکثریت این اقلیت ساکن یزد، سکونت آنان در خانه‌های کثیف و پُرجمعیت و نیز اشتغال اکثریت اعضای خانواده یهودی به مشاغل نسبتاً سخت ریسندگی و بافندگی، آن هم با

^۱. Afari.

^۲. Pollack.

درآمد بسیار اندک حکایت دارد (هاکس^۱، ۱۳۶۸: ۱۲۳). گزارشی دیگر، خبر از برخی مشاغل برای یهودیان خبر می‌دهد که مسلمانان از دست زدن به آنها عار داشتند و یا حرام می‌شمردند؛ مشاغلی چون: شراب و عرق‌فروشی، آوازه‌خوانی، رقاصی، نوازندگی و... (ویلز^۲، ۱۳۶۸: ۱۱۴). «ادوارد پولاک» ابریشم‌بافی، تراش روی شیشه، ظرافت‌های زرگری و جواهرسازی و نیز تولید: الکل، عرق، شراب و تولید انواع اسیدها را جزء حرفه‌های یهودیان به شمار می‌آورد و علاوه بر آنکه آنها را خبره در علم شیمی دانسته، وجودشان را در ضرب سکه و فنون و مهارت آن در جامعه مغتنم دانسته است؛ ضمن آنکه شغل طبابت را نیز از حرفه‌های دیگر آنان دانسته است (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۶-۳۱). امیرکبیر نیز اقلیت‌های ایران را مورد توجه قرار می‌داد (مری شیل^۳، ۱۳۶۸: ۸۰). استفاده مردمان عادی یزد از لفظ «جهود» (جود)، بیش از همه در تحقیر افکار و مذهب یهودیان در زبان عامیانه مردم یزد استعمال می‌شد و گاهی به زدو خورد و درگیری با آنها می‌انجامید (اوبن^۴، ۱۳۶۲: ۳۰۹).

اوضاع یهودیان یزد پس از مشروطیت

دکتر ویلز می‌گوید: «... در باره یهودیان فکر نمی‌کنم در هیچ نقطه از دنیا با آنان بدین‌گونه که در ایران فعلی رفتار می‌شود، رفتار شود؛ کتکشان می‌زنند، تحقیر و توهینشان می‌کنند و حتی غلام‌بچه‌های ایرانی که خود برده هستند، علناً به یهودیان فحش و ناسزا می‌دهند...» (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۱۴). در پی بروز انقلاب مشروطه، صدور برخی فتوهای شرعی و از جمله فتوای آخوند خراسانی در حرمت ایذا و تحقیر اقلیت‌ها و اهل ذمه‌ای که در حمایت اسلام باشند و لزوم مراعات وصیای خاتم‌النبین و شایسته بودن برخورد و تعاملات مسلمانان، به حُسن سلوک و تألیف قلوب و حفظ نفوس و اعراض و اموال این اقلیت‌ها انجامید (اشیدری^۵، ۱۳۵۵: ۲۵۲). یهودیان کم‌کم اجازه استقرار در مناطق دیگر شهر به غیر از محله خود و خرید و اجاره مغازه در میان بازار یزد را کسب کردند. تشکیل انجمن مخفی ایران به سال ۱۹۰۵م در پایتخت و تأسیس مجلس ملی متشکل از ایرانیان مسلمان و غیرمسلمان، از جمله تلاش‌های مشروطه‌خواهان بود (کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۳۷).

1. Hawks.

2. Wales.

3. Mary Shale.

4. Aubin.

5. Ashdry.

تحولات و تعاملات اقلیت یهودی در یزد دوره پهلوی

در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش)، اقلیت‌های یزد کاری به فعالیت‌های دینی دیگر ادیان نداشته‌اند و این خصلت، ناشی از نوعی غرور نژادی و مذهبی خودشان بوده است؛ بدین معنا که دین یهود، خاص قوم بنی اسرائیل است و کسی اجازه داخل شدن در دین و گروه آنها را ندارد. به لحاظ شخصیتی و رفتاری و نیز تعلق خاطر یهودیان به مادیات و مهم بودن اقتصاد و درآمد برای این قشر و نیز در پیش گرفتن روش محافظه کارانه در حفظ جان و مال خود، قطع بقیں در مسکن گزیدن ایشان در مرکز شهر و اقتصاد و تجارت و بازار، یعنی در حوالی بازارهای یزد و اطراف مسجد جامع کبیر یزد تأثیرگذار بوده است.

نکته حایز اهمیت دیگری که در مطالعات محققان و نویسندگان امروزی یزد مشخص است، اینکه بزرگ‌ترین روابط دوستانه ادیان، در یزد اتفاق افتاده است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۸، ۱۲۷/۳). در دوره رضاشاه، جوانان یهودی در ردیف دیگران به انجام خدمت وظیفه دعوت شدند، مدارس و دانشگاه به روی آنان باز شد، بازرگانی‌های کوچک و محدود یهود توسعه یافت و به تدریج بازرگانان و ثروتمندان بزرگی در میان آنها یافت شد و تقریباً یهودی‌ها از تمام حقوق کشوری استفاده می‌کردند؛ ولی عده کمی از آنها در ادارات پذیرفت می‌شدند و به خصوص در دستگاه سیاسی کشور، یهودیان راه نیافتند. فریادخواهی ملت مسلمان فلسطین، باعث شد روحانیان ایران (قم) تلگراف‌هایی را در این زمینه به دولت ارسال کنند؛ ولی رژیم رضاشاه از انتشار این تلگراف‌ها در جراید جلوگیری نمود (سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۶، پاکت ۸۸۵). ادعا شده که: «از سال ۱۹۳۵ (۲۰۱۶م/۱۴۳۹ق) به بعد، یهودیان را از برخی ادارات اخراج کردند و دانشکده افسری بر روی جوانان دیپلمه و لیسانسیه بسته شد؛ ولی وقوع جنگ جهانی دوم، بدبینی‌ها علیه یهودیان را به مقدار زیادی از بین برد.»

در دوره رضاشاه، یهودیان یزد فرصت یافتند که در بازارهای یزد به مشاغل: بزازی، زرگری و دلالی بپردازند و علناً کنیسه و مدرسه خود را دایر نمودند و جوان‌های به خدمت سربازی احضار شدند. در جنگ جهانی دوم، به علت گرایش رضاخان به آلمان و دشمنی آلمان با قوم یهود، تفکرات ضد یهودی گسترش یافت (رهبر، ۱۳۲۵: ۳۵۰). زنان یهودی تا اواخر دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش)، تا حد زیادی هیچ‌گونه وجهه اجتماعی و فرهنگی در یزد نداشتند؛ اما در اوایل دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش)، زنان یهودی هم در انظار عمومی شهر ظاهر می‌شدند. آنان در بازار به کمک شوهران خود می‌شتافتند و چون همانند زنان مسلمان یزد، خود را در زیر چادر و چاقچور می‌پیچیدند؛ البته «هاکس» که یک دهه پس از سقوط قاجارهابه ایران سفر می‌کند، می‌نویسد: «زنان یهودی از طریق

چادرشان شناخته می‌شوند که بنا به رسم این زمان، باید سفید باشد» (هاکس، ۱۳۶۸: ۶۵؛ شمس اسفندآبادی، ۱۳۹۴: ۹۵).

شغل یهودی‌ها، بیشتر خرازی‌فروشی و پارچه‌فروشی و بزازی بود که هم مغازه داشتند و هم به صورت پیلهوری به منازل مراجعه می‌کردند و یا به دهات می‌رفتند و کالای خود را عرضه می‌کردند و می‌فروختند. این پیلهورهای دوره‌گرد، گاهی فالگیری هم می‌کردند و از روی کتابی که همراه داشتند و با خط عبری بود و ما با آن آشنایی نداشتیم، چیزهایی باب طبع مشتری می‌گفتند. اگر تحریکاتی انجام نمی‌گرفت، با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشتند. بین یهودی‌ها، گدایی هم مرسوم بود؛ برخلاف زرتشتی‌ها. یکی از کارهای جنبی یهودی‌ها، خرید اشیای عتیقه بود و بیشتر از خانم‌ها می‌خریدند که بدون توجه به ارزش کالا، ظروف عتیقه خود را به ثمن بخش، با چیت و انواع پارچه‌های زنانه معاوضه می‌کردند؛ چون سمساری در یزد، آنچه من به یاد می‌آورم، مرسوم نبود (بشارت، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۱۰). رضاشاه گرویدن یهودیان به اسلام را ممنوع کرد و قانون نجاست یهودیان را لغو نمود. زبان عبری، در مدارس یهودی تدریس شد و برای اولین بار روزنامه‌های یهودی نظیر: *عولم یهود*، *سینا*، *یسرائیل*، بنی‌آدم و *نیسان* منتشر شد (Sephardi, 1996: 250). برنامه‌های بسیاری برای «ایرانی‌سازی» یهودیان به دستور رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) انجام شد. به دستور رضاشاه، مالیات جزیه بر یهودیان، قانون به ارث بردن یهودی مسلمان‌شده از تمام ارث و مجازات نشدن مسلمانی که یهودی را کشته باشد، لغو شد. در تمامی شهرهای ایران، یهودیان از محله‌های یهودی خارج شدند و در تمامی شهر پخش گردیدند. برنامه ایرانی‌سازی یهودیان، با موفقیت همراه بود. یهودیان ایران مشتاقانه شروع به حمایت از جشن‌های ملی ایرانیان نظیر نوروز نمودند، از تاریخ ایران قبل از اسلام با غرور سخن گفتند و بسیاری از نام‌های یهودی خود را با نام‌های ایران قبل از اسلام جایگزین نمودند (Ibid: 253). بعد از جنگ جهانی دوم، عده‌ای از یهودیان کشور، به‌خصوص یزد، به دلیل تشویق‌ها و تحریکات سازمان‌های صهیونیستی یا به دلیل مشکلاتی که داشتند، به اسرائیل کوچ کردند و در دهه‌های بعد، عده‌ای از آنها حتی به رده‌های بالای سیاسی دست یافتند که از جمله یهودیان یزدی می‌توان به رئیس‌جمهور موشه کتساف (موسی قصاب)^۱ اشاره کرد (Ibid: 244).

^۱ موشه کاتساو یا موسی قصاب (به فارسی)، زاده ۱۹۴۵ میلادی در یزد در ایران، هشتمین رئیس‌جمهور دولت اسرائیل بود که از سال ۲۰۰۰ تا ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۷ میلادی مقام ریاست جمهوری اسرائیل را بر عهده داشت. وی به همراه خانواده‌اش در سال ۱۹۵۱ به اسرائیل مهاجرت کرد. نام آقای کاتساو در کودکی، ماشاء‌الله بود و هنگامی که او در سن پنج سالگی همراه خانواده فقیرش از یزد در ایران به اسرائیل مهاجرت کرد، نام عبری موشه را که نام موسی است،

امامی میبدی: تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران در دوره پهلوی...

۳۹

با شدت گرفتن فعالیت‌های صهیونیستی و ارتباط یهودیان ایرانی با یهودیان اروپا، رضاشاه که تصمیم داشت اقوام مختلف ایران را تحت لوای ناسیونالیسم متحد کند، نسبت به یهودیان بدبین شد. شموئل حییم^۱، مؤسس روزنامه حییم و یکی از رهبران جنبش صهیونیسم در بین یهودیان ایران، دستگیر شد و چند سال بعد در یک دادگاه نظامی، به جرم توطئه برای ترور شاه و تلاش برای تبدیل

در شناسنامه او نوشتند؛ اما مادرش، گوهرخانم، هنوز او را ماشاءالله صدا می‌کند. نام فامیلی کاتساو، به این دلیل است که پدر فقیرش که خادم یک کنیسه یهودیان در یزد بود، مرغ را به شیوه یهودی ذبح می‌کرد. کاتساو، یعنی قصاب. موشه کاتساو، فارغ‌التحصیل از دانشگاه عبری اورشلیم است. در میان مهاجران ایرانی، کاتساو اولین فردی است که به بالاترین مقام سیاسی کشور دیگری (مقام ریاست جمهوری اسرائیل) دست یافته است. دوره ریاست جمهوری او، هم‌زمان با ریاست جمهوری محمد خاتمی در ایران بود. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹، پلیس اسرائیل ادعا کرد که شواهد کافی برای متهم کردن او به تجاوز جنسی و استراق سمع غیرقانونی را دارد. پس از آن، دادستان کل اسرائیل در ۲۹ اکتبر به او پیشنهاد کرد که از قدرت کناره بگیرد؛ اما او نپذیرفت. از آنجا که رئیس جمهور مصونیت قضایی دارد، استعفا نداد و درخواست مرخصی سه‌ماهه کرد تا دوران ریاست جمهوری‌اش به اتمام برسد. موشه کاتساو در تاریخ دسامبر ۲۰۱۰ میلادی، در یک دادگاه در شهر تل‌آویو در ارتباط با اتهام تجاوز به یک کارمند زن در دهه ۱۹۹۰ میلادی، مجرم شناخته شده بود.

^۱ شموئل حییم، معروف به مسیو حییم و شموئل اسحاق افندی (۱۲۷۰ خ کرمانشاه - ۱۳۱۰ خ تهران)، روزنامه‌نگار، رهبر جامعه یهودیان ایران، فعال صهیونیست و نماینده کلیمیان در دوره پنجم مجلس شورای ملی بود. شموئل حییم، در مدرسه آلیانس کرمانشاه تحصیل کرد، چند زبان خارجی فراگرفت و از سال ۱۲۹۳ خورشیدی، به خدمت گمرک درآمد. در سال ۱۲۹۹ به تهران رفت و در روزنامه «اتحاد» قلم زد. او با سفارت انگلستان روابط خوبی داشت و به نفع انگلیسی‌ها فعالیت‌های سیاسی انجام می‌داد. سپس، تصمیم گرفت روزنامه‌ای برای یهودیان ایران راه بیندازد. از این رو، چاپ روزنامه «حییم» را آغاز کرد که بین سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ منتشر می‌شد. بیشتر روزنامه به زبان فارسی و بعضی قسمت‌های آن، به عبری بود. حییم در روزنامه خود مشکلات جامعه یهودی را بیان می‌کرد. او همچنین، از دولت ایران به دلیل تبعیض علیه یهودیان انتقادهای بسیار تندی می‌کرد و خواستار لغو قوانین شرعی تبعیض‌آمیز بود. فعالیت دیگر روزنامه او، تبلیغ جنبش صهیونیسم بود. حییم، با جامعه ملل (نسخه اولیه سازمان ملل)، ارتباط برقرار نمود و درخواست کمک به یهودیان ایران کرد. این فعالیت‌های او، دشمنان بسیاری برای وی ایجاد نمود. حییم در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۲، نامزد نمایندگی کلیمیان شد و با اختلاف فراوان، اکثریت آرا را به دست آورد و وارد مجلس شد. صلاحیت شخصی او نیز زیر سؤال رفت. شموئل حییم پیشنهاد داد زنان مسیحی و کلیمی، مستثا شوند و از حق رأی برخوردار گردند. پیشنهاد او، به تصویب نرسید. حییم در مجلس، جزو جناح اقلیت و مخالف رضاخان، نخست‌وزیر وقت بود. همین مخالفت‌ها سبب شد که پس از آنکه رضاخان به پادشاهی رسید، در انتخابات دوره ششم مجلس که انتظار می‌رفت او دوباره رأی بیاورد، چند روز قبل از انتخابات دستگیر شد و انتخابات را به رقیبش، لقمان نهورایی باخت. سپس، حییم متهم به توطئه برای ترور شاه و تلاش برای برپایی نظام جمهوری گردید و در دادگاه نظامی به مرگ محکوم شد. او تا سال ۱۳۱۰ در زندان بود و در این سال، تیرباران شد.

ایران به جمهوریت، اعدام گردید. نشریاتی نظیر: ایرانشهر، فرنگستان و آینده، تأکید فراوانی بر برتر بودن نژاد آریایی بر نژاد سامی می‌کردند و یهودیان سامی نیز از گذر تحقیر نژادی مصون نبودند (سرشار، ۱۹۹۶: ۹۹/۱). از این رو، این بار، دیگر یهودی نجس نبود؛ بلکه جزو نژاد پست سامی، در مقابل نژاد برتر آریایی بود. بنابراین، حتی گرویدن به اسلام نیز نمی‌توانست نژاد پست سامی او را تغییر دهد (همان: ۱۰۵-۱۰۰؛ Semon, 2013:385). حضور یهودیان در حزب توده آن قدر زیاد بود که با اینکه یهودیان حدود دو درصد جمعیت ایران بودند، در بین اعضای حزب توده، بیش از پنجاه درصد اعضای فعال یهودی بودند. بسیاری رهبران کنونی و گذشته جامعه یهودیان ایران نظیر هارون بیشایاییو عزیز دانش راد، جزو اعضای حزب توده بوده‌اند. یهودیان، از اشغال ایران توسط متفقین حمایت کردند (سرشار، ۱۹۹۶: ۸۲/۱).^۱ شایعات فراوانی وجود داشت که محمدعلی فروغی معروف به «ذکاء الملک»^۲، از خانواده یهودی‌الأصل و از یهودیان بغداد بوده است (بهار، ۱۳۶۸: ۱۲۹۸/۲).

^۱ 7dorim.com/Tasavir/Yeshayae.asp, Sternfeld, 2014:6-47:6,857-869.

^۲ محمدعلی فروغی دردشتی (۱۲۵۶ خورشیدی در تهران - ۵ آذر ۱۳۲۱ در تهران)، ملقب به ذکاءالملک، ملی‌گرا، تجددخواه، روشن‌فکر، مترجم، ادیب و سخن‌شناس، فیلسوف، تاریخ‌دان، روزنامه‌نگار، سیاست‌مدار، دیپلمات، نماینده و رئیس مجلس، وزیر و نخست‌وزیر ایران بود. وی نقش مهمی در تأسیس دانشگاه تهران داشت و همچنین، او پایه‌گذار و نخستین رئیس فرهنگستان ایران است. همین نقش را فروغی در انجمن آثار ملی داشت که به تلاش برای نهادینه کردن پاسداری و نگهداری از آثار تاریخی ایران می‌پرداخت. فروغی همچنین، چندین اثر مهم ادبی را تصحیح کرده که مشهورترین آنها، کلیات سعدی است. نخستین کتاب در باره فلسفه غرب (سیر حکمت در اروپا) نیز به قلم او نوشته شد. وی در دوران پس از جنگ جهانی اول، عضو هیئت اعزامی ایران به کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹) و جامعه ملل بود. در دوره قاجار، چند بار وزیر، دو بار نماینده مجلس شورای ملی و یک بار رئیس دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) شد. با انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی، فروغی به عنوان نخستین نخست‌وزیر در دوره پهلوی، مراسم تاج‌گذاری رضاشاه را در نخستین گام برگزار کرد. او از مدت‌ها قبل، با آتاتورک آشنایی داشت و به اصرار او، رضاشاه سفری به ترکیه کرد و برخی اصلاحات، به دنبال این سفر انجام شد. بعد از اینکه، متفقین در شهریور ۱۳۲۰ ایران را اشغال کردند، رضاشاه مجدداً از فروغی برای قبول نخست‌وزیری دعوت نمود و پس از گذشت چند سال، دوباره او را به سیاست بازگرداند. سومین دوره نخست‌وزیری، با استعفای رضاشاه از سلطنت آغاز شد.

محمدعلی فروغی در ۱۲۵۶ هجری خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. برخی، اجداد فروغی را از یهودیان عرب بغداد خوانده‌اند که به اصفهان کوچیدند و مسلمان شدند. در زمان جنگ جهانی دوم، رادیو آلمان نازی، بارها به نژاد یهودی فروغی اشاره کرده، او را فردی غیرقابل اعتماد می‌خواند. بر پایه کتاب *فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران*، نوشته اسماعیل رائین، پدر فروغی از متأثران میرزا ملکم خان از پیشکسوتان ترویج فرهنگ غرب و فراماسونری در ایران بود و فروغی هم فراماسون شد. مؤلف *تاریخ بیست‌ساله ایران* در معرفی فروغی می‌نویسد: «او یکی از فراماسون‌های باهوش و تحصیل‌کرده و دانشمند و صاحب تألیفات در ادبیات و حکمت و فلسفه می‌باشد.»

اوضاع اقلیت مذهبی یهودی دوره پهلوی دوم

مصدق، ابتدا با تشکیل دولت اسرائیل مخالف بود و آن را نشانه‌ای از امپریالیسم می‌دانست. ایران با روی کارآمدن مصدق، سفارت خود را در اورشلیم تعطیل نمود.^۱ با وجود این، مصدق روابط خوبی با یهودیان ایران داشت. بسیاری از بازاریان، روشنفکران و نویسندگان یهودی، در جنبش ملی مصدق به او کمک کردند؛ مثل مشفق همدانی که سردبیر روزنامه کیهان بود (سرشار، ۱۹۹۶، ۸۲/۱-۸۷). مهم‌ترین دشمن اسرائیل در دولت در این زمان، دکتر حسین فاطمی^۲، وزیر امور خارجه بود. حسین فاطمی در روز استقلال اسرائیل در آوریل سال ۱۹۵۳، دفتر آژانس یهودی تهران را تعطیل کرد؛ ولی بعد از چندین ماه، دوباره این دفاتر باز گردیدند. مصدق با اینکه از فاطمی پشتیبانی می‌کرد، به مذاکراتی برای قرارداد بین بانک ملی ایران و بانک لوئمی در اسرائیل کمک کرد که باعث ادامه مناسبات تجاری بین ایران و اسرائیل شد.^۳

بعد از سرنگونی دولت مصدق، یهودیان بهترین شرایط خود را در ایران تجربه کردند. جمعیت یهودی در این زمان، تقریباً به طول کامل شهرنشین شدند. در سال ۱۹۶۸ م، ۷۲ درصد از یهودیان ایران در شهرها زندگی می‌کردند؛ با اینکه یهودیان فقط درصد بسیار کمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ش/۱۴۰۲ ق) دو عضو از ۱۸ عضو آکادمی علوم ایران، ۸۰ نفر از ۴۰۰۰ استاد دانشگاه و ۶۰۰ نفر از ۱۰۰۰۰ پزشک ایران، یهودی بودند. برای اولین بار در تاریخ ایران، ۵۰ درصد از کودکان یهودی به مدرسه عبری می‌رفتند و زبان عبری به صورت رسمی به آنان تدریس می‌شد. سطح خواندن و نوشتن اقلیت یهودی، از ابتدای قرن بیستم، بسیار بالاتر از اکثریت مسلمان بود. در سال ۱۹۶۸، تنها ۳۰ درصد مسلمانان خواندن و نوشتن می‌دانستند؛ در صورتی که این رقم در مورد یهودیان، بیش از ۸۰ درصد بود (دی لوب، ۱۹۷۷: ۱۳۳). در این زمان، حدود یک سوم جمعیت

^۱ www.jta.org/1951/07/12/archive/israel-cabinet-discusses-relations-with-iran-iranian-consulate-in-jerusalem-closed.

^۲ سید حسین فاطمی، معروف به دکتر فاطمی (۲۱ بهمن ۱۲۹۶ در نایین - ۱۹ آبان ۱۳۳۳ در تهران)، سیاست‌مدار و روزنامه‌نگار ایرانی است که از ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه ایران بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد، محاکمه و به اعدام محکوم شد. طرح «جمهوری» در آن مقطع، از سوی فاطمی بوده است. به گفته محمد مصدق، فکر ملی شدن نفت، پیشنهاد حسین فاطمی بود. فاطمی را همراه با دکتر علی شایگان، چهره‌های برجسته جناح چپ دولت مصدق می‌نامیدند. او پیش از اعدام، از ترور توسط محمد مهدی عبدخدایی جان به در برده بود. او همچنین در دوران وزارت، بالاترین نشان کشوری معروف به «نشان همایون» را از دست شاه دریافت کرد.

^۳ www.ajcarchives.org/AJC_DATA/Files/1954_15_MidEast.

یهودیان ایران، به اسرائیل مهاجرت کردند. رابطه بسیار نزدیک دولت شاه و کشور اسرائیل، در بهبود وضعیت اقتصادی یهودیان در ایران نقش بسیاری داشت (همان: ۲۴). رفت‌وآمد اعضای خانواده محمدرضا شاه با یهودی‌ها، بازتابی ناخوشایند در جامعه داشت. بیشتر ایرانیان مسلمان، به یهودی‌ها نظر خوشی نداشتند. بازاریان که دارای اعتقادات مذهبی بودند، از اینکه می‌دیدند امور اقتصادی کشور به دست دشمنان اسلام افتاده است، واکنش نشان می‌دادند. مدت‌ها شیشه‌های نوشابه پپسی کولا را که متعلق به ثابت پاسال بود، می‌شکستند و مردم را به تحریم پپسی کولا دعوت می‌کردند! (محمدی‌نیا، ۱۳۸۲: ۳۲۴-۳۲۵؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴؛ روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۸۴۲، یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸؛ رجیبی، ۱۳۷۴: ۱۷۳، سند مورخ ۱۳۴۱/۸/۲۶، به نقل از: یاران امام به روایت اسناد ساواک: ۲؛ روحانی، ۱۳۸۶: ۱/۱۳۵۶). محمدرضا شاه پهلوی در ابتدای حکومت خود، دید بسیار مثبتی به یهودیان داشت. در دهه ۱۹۷۰ میلادی، او نیز مانند پدرش به یهودیان بدبین شد.^۱

نویسنده کتاب معروف **سقوط ۷۷** که سقوط شاه را چند سال قبل از سرنگونی وی پیش‌بینی کرده بود نیز یهودی بود. یوسف کهن، آخرین نماینده یهودیان در ایران، در کتاب خاطرات خود، آخرین دیدار سالیانه یهودیان ایران با شاه در سال ۵۷ را با بی‌تفاوتی و بی‌حوصلگی خاصی از جانب شاه بیان می‌کند و می‌گوید شاه بیشتر حملات و تحرکات علیه حکومت خود را توطئه یهودیان می‌دانست (کهن^۲، ۱۹۹۳: ۳۰۳). در تظاهرات میلیونی روز عاشورا علیه شاه، ۷۰۰۰ یهودی نیز شرکت کردند. بعضی نوشتارهای دیگر، تخمین یهودیان شرکت‌کننده در این تظاهرات را ۱۲۰۰۰ نفر اعلام می‌کند. تقریباً تمامی رهبران جامعه یهودی، نظیر: حاخام دیدیا شوفط، حاخام آریل داوودی، حاخام داوید شوفط، حاخام یوسف همدانی کهن، حاخام اسحق بعلنث و حاخام یادگاران، در این تظاهرات شرکت داشتند. این همراهی یهودیان با انقلاب، پلی میان ملت انقلابی و جامعه یهودیان برقرار کرد.

بیمارستان یهودی سپیر که توسط دکتر سپیر، پزشک یهودی پایه‌گذاری شده بود نیز در انقلاب ایران نقش مهمی داشت. هیچ‌یک از مجروحان بستری‌شده در بیمارستان سپیر، به دست ساواک نیفتادند. بیشتر تظاهرکنندگان مجروح‌شده در تظاهرات ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، در بیمارستان سپیر درمان شدند. در اواخر سال ۱۹۷۸، نماینده یهودیان برای دیدار با امام خمینی (ره) به پاریس رفت. امام خمینی (ره) بعدها نامه تقدیری به بیمارستان سپیر فرستاد و از پرستاری و مداوای انقلابیون توسط مسئولان این

^۱ www.bbc.com/news/av/world-us-canada-17650516/mike-wallace-interview-with-shah-of-iran-in-1976.

^۲ Ancient.

امامی میبدی: تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران در دوره پهلوی... ۴۳

بیمارستان تشکر کرد (گیرشمن، ۱۳۷۸: متعدد؛ دائرة المعارف جودایکا، ایران، لوئیس، ۲۰۱۸).^۱ در مناطق مرکزی ایران، یهودیان به زبان‌هایی ایرانی که در زیرشاخه زبان‌های ایران مرکزی جای دارند، صحبت می‌کنند؛ مانند گویش کلیمیان اصفهان و یزد (سرشار، ۱۹۹۵: ۵). اولین بانک استان یزد و جنوب شرق کشور در زمان قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ ش)، به دست یک تاجر یهودی ساخته شد و در دوران پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش) و هم‌اکنون در محله لب خندق (میدان خان) فعالیت دارد (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۱۴۵). جزئیات اینکه چگونه یهودیان ایران در سال‌های بسیار کمی، از اقلیتی بسیار فقیر، به ثروتمندترین اقلیت ایران تبدیل شدند، نیازمند تحقیق و مطالعه بیشتر است (دی لوب^۲، ۱۹۷۷: ۲۴). قبل از سال ۱۹۴۸، بیشتر یهودیان ایران مذهبی بودند و قوانین یهودی را رعایت می‌کردند (موریتی هورویتز، ۲۰۰۵: ۲۳۱). با تحقیق و مقایسه احوال و اوضاع این اقلیت در سایر نقاط ایران، می‌توان عنوان کرد که آمار یهودیان ساکن یزد در این زمان، از چند صد نفر تجاوز نمی‌کرده است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری یزد، ۱۳۵۸: ۱۰۷؛ شمس اسفندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). رضوی (مشهور نواب وکیل)، نماینده یزد در مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول می‌نویسد: در اعیاد یهودی و نصاری تغییر ندادند؛ ولی در اعیاد مسلمان تغییر دادند (رضوی، ۱۳۱۷: ۷۱۸ و ۷۱۹). «قوانین عدلیه، بر ضد اسلام است. قبلاً اگر زن مسلمان با مرد مسلمان فقط زنا می‌کرد و با او ازدواج می‌کرد، الآن زن مسلمان می‌تواند دوباره با گبر و یهودی هم زنا کند؛ درحقیقت، ژنده او می‌شود» (همان: ۵۶۲، ۵۷۵، ۶۱۳، ۷۱۸ و ۷۷۸).

مدت ۲۸ سال طول کشید تا حکومت محلی یزد در میان مخالفت‌های آشکار و نهان مردم و روحانیت سنتی، به خود جرئت داد که مدرسه آلیانس را در یزد تأسیس کند و برای ایجاد آشتی بین اقلیت یهود و جامعه مسلمان و مردمان یزد در قالب صورت دادن ملاقات‌های عمده و همایش‌های اجتماعی و فعالیت‌های دیگری از این دست، تا حدّ دعوت از سران رسمی و دینی مسلمانان هم پیش می‌رفت و گاهی نیز این مدرسه نقش حکمیت بین مراعات و برخوردهای پیش آمده بین اقلیت یهود یزد و مسلمانان این شهر را به عهده می‌گرفت (ابرامی، ۱۹۹۷: ۱۹۴؛ شمس اسفندآبادی، ۱۳۹۴: ۱۹۴). در حال حاضر، کلیمیان یزد که تعداد آنها به ۸۳ نفر می‌رسد، فقط در یزد محله کلیمیان سکونت دارند. تعداد ۱۲ کنیسه در شهر یزد وجود دارد که نشان از جمعیت زیاد یهودیان در گذشته

^۱. Amanat, Vejdani, Macmillan, 2012: 236, Amanat, I.B. Tauris, Aug 29, 2013: 41, Mattair, R. (2008). ABC-CLIO. p. 3. ISBN 9780275994839. Retrieved 2010-09-24.) Yerousalmi, Brill, 2009, Page 37.

^۲. De Loeb.

یزد دارد. از این تعداد، چهارتای آن خراب شده و دو تا هم بسته است و در بقیه به طور تقریبی و نوبتی، مراسم برگزار می‌گردد.

اسامی و نشانی این کنیسه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. کنیسه یوخوت: واقع در خیابان مسجدجامع. شایان ذکر است که یوخوت، نام مادر حضرت موسی بوده است.
۲. کنیسه کمال: در کوچه مشروطه در محدوده خیابان مسجدجامع واقع است.
۳. کنیسه نظام: واقع در کوچه نقیب اشرف.
۴. کنیسه ملا یوسف: واقع در کوچه مشروطه.
۵. کنیسه هاداشی: واقع در محله کلیمیان، نزدیک چهارسوق.
۶. کنیسه ملا آقابابا (ملاصدرا): واقع در محله کلیمیان، نزدیک چهارسوق.
۷. کنیسه ملا اسحق: واقع در محله کلیمیان، نزدیک چهارسوق.
۸. کنیسه حاجی اسحق: واقع در محله کلیمیان، نزدیک چهارسوق.
۹. کنیسه الیاهر: واقع در کوچه بقعه، محله کلیمیان.
۱۰. کنیسه حاجام: واقع در کوچه کاغذگری که به آن «کنیسه کوشه توکل» گفته می‌شود.
۱۱. کنیسه الیاس نبی: واقع در محدوده خیابان انقلاب.
۱۲. کنیسه ملا شموئیل: واقع در محله کلیمیان، کوچه راستی.

کنیسه کمال یزد، در تاریخ ۷ مهر ۱۳۸۱ با شماره ثبتی ۶۳۳۳، به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است که سبک معماری ویژه متعلق به دوره صفویه دارد و کتیبه‌هایی به خط و زبان عبری، از جمله آثار برجای مانده این بنای تاریخی هستند. برخی از جمعیت یهودیان ایران، ابتدا در اماکن تاریخی و محله‌های قدیمی یزد نظیر: محله یعقوبی، مریم‌آباد و دیگر شهرهای استان یزد پخش بوده‌اند. ساختمان کنیسه کمال، دارای ۳ بخش: تابستانخانه، زمستانخانه و اطاق‌هایی مخصوص حفظ و نگهداری تورات می‌باشد. این کنیسه، رواق‌هایی با ازاره‌های آجرچینی شده نیز دارد که تزیینات لاجوردی آنها، به زیبایی معماری فضا افزوده است. همچنین، در وسط آن، سکویی هشت‌ضلعی از جنس آجر قرار گرفته که جایگاه ایستادن و عبادت حاخام (روحانی یهودی) می‌باشد. در کنیسه کمال، ۹ عدد کتاب تورات از جنس پوست گوسفند با خط عبری نگهداری می‌شود که احتمالاً قدمت آنها نیز به دوران صفویه برمی‌گردد (مصاحبه و نوشته‌های خداداد گوهریان و مخبری، ۱۳۸۴: ۴۱). جشن عید مسیح یهودیان، به مدت هشت روز به مناسبت نجات قوم بنی اسرائیل توسط حضرت موسی (ع)،

امامی میبیدی: تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران در دوره پهلوی... ۴۵

در کنیسه «هاداش» یزد از طرف اقلیت کم تعداد یهودی برگزار می‌شود (حسینی، ۱۳۸۲: ۵۸ و ۵۷).

ازدواج در دین یهود

ازدواج در دین یهود (به عبری: **ד'איש'א'י**)، به معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است. ازدواج یهودیان با غیریهودیان، همیشه به عنوان تهدیدی برای آینده قوم یهود تلقی شده است. بنا بر قوانین یهودیت، دین از طریق مادر به فرزند منتقل می‌شود. جاری شدن عقد، توسط خاخام‌های ارتدوکس صورت می‌گیرد.

- **کتوبا:** در آیین یهود به صیغه‌نامه یهودیان گفته می‌شود که به صورت مکتوب است و پیرامون تعهدها و مسئولیت‌های داماد نسبت به همسر آینده خویش و اختیاراتی برای همسر در زمان مسافرت یا طلاق یا شرکت شوهر در جنگ یا ازدواج مجدد شوهر، چهارچوب‌ها و حدودی را تعیین می‌کند. امروزه استفاده از کتوبا منسوخ شده است و دادگاه‌های یهودی، در این گونه موارد و مناسبت‌ها تعیین تکلیف می‌کنند.

- **خوپا:** از نمادهای اصلی ازدواج یهودیان است. خوپا، چادری است با چهار ستون چوبی و سقفی پارچه‌ای که معمولاً آن را به رنگ سفید می‌پوشانند. خوپا، نماد و مظهر اولین خانه‌ای است که زوج جوان در کنار هم به آن پای می‌نهند. بنا بر قوانین آیین یهود، هفت نوع تبرک و دعا برای عروس و داماد در زیر خوپا خوانده می‌شود.

- **بدیکن:** رسمی است که به طور سنتی در جشن ازدواج یهودیان انجام می‌شود. بر اساس این رسم، در زیر خوپا داماد توری بر چهره عروس می‌گذارد.

- **طلاق:** در آیین یهود برای طلاق، زن باید از شوهر خود طلاق را تقاضا کند و توافق او را به دست آورد (سفر پیدایش، باب دوم، آیات ۱۸-۲۴؛ تلمود فلسطینی، سوطا، ۱۶، ۹؛ عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۱۶).

سازمان جهانی اتحاد یهود

این سازمان پس از تأسیس (۱۷ مه ۱۸۶۰م)، ابزار رسیدن به پیشرفت یهودیان را در رشد آموزش و پرورش دید. از این رو، شروع به ساخت و گسترش مدارس «اتحاد» در سرتاسر جهان کرد. این سازمان، ۳۸ سال پس از تأسیس، اولین مدرسه «اتحاد» ایران را در «تهران» باز کرد و ۳۰ سال پس از «تهران» و بعد از ۷ شهر دیگر ایران، در سال ۱۳۰۷ش، «مدرسه پسرانه اتحاد» و در سال

۱۳۰۸ش «مدرسه دخترانه اتحاد» را در یزد گشود. البته سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸، تاریخ رسمی شروع به کار مدارس «اتحاد» در یزد است؛ چراکه تاریخ «عکس‌گردش علمی بچه‌کلیمی‌ها در یزد» مورخ سال ۱۳۰۴، ثابت می‌کند که مدرسه کلیمیان، پیش از آن تاریخ هم دایر بوده است؛ البته به طور سنتی و با لباس‌های غیر یونیفرم. مدارس «اتحاد» در سرتاسر جهان با حمایت مالی، هدایت معنوی و تحت نظارت دقیق «سازمان آلیانس» گردانده می‌شد و زبان دوم این مدارس، «فرانسوی» بود.^۱

مدارس یهودیان یزد در دوره پهلوی

افتتاح مدرسه آلیانس دخترانه برای یهودیان یزد (نهم آذرماه ۱۳۰۹/سی‌ام نوامبر ۱۹۳۰) صورت گرفت تا برای اولین بار دانش‌آموزان یهودی روی نیمکت‌های مدارس، هموطنان مسلمان را در کنار خود ببینند. یهودیان دارای مدارس خاص خود بوده و هستند که عبارت‌اند از:
- دبستان پسرانه اشحداد: سال ۱۳۰۷ش یک باب دبستان به نام «دبستان پسرانه اتحاد» از سوی یهودیان یزد تأسیس شد.

- دبستان دخترانه اشحداد: در سال ۱۳۰۸ش تأسیس شد.

هزینه این دو مدرسه را الیاس اسرائیلی می‌پرداخت. دبستان زردشتیان و یهودیان، هرکدام آموزشگاه‌های مستقلی داشتند (جمعی از نویسندگان، آموزش و پرورش یزد، امامی میبدی، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۴). اکثراً کلیمیان یزد، باسواد هستند. کلیمیان یزد، بیشتر شغل آزاد دارند و دو نفر بازنشسته آموزش و دو نفر پزشک می‌باشند (مصاحبه و نوشته‌های خداداد گوهریان: شمس اسفندآبادی، ۱۳۹۴: ۴۶). آمار دانش‌آموزان اقلیت دینی کلیمی در استان یزد در سال تحصیلی ۸۰-۷۹، شامل ۵ دختر و ۹ پسر می‌باشد (آمار از: آموزش و پرورش استان یزد، ۱۳۹۸).

گورستان یهودیان

کلیمیان یزد، دارای یک گورستان عمومی واقع در خیابان مهدی می‌باشند که در آنجا مقبره پیشوای کلیمیان ایران به نام «ملاء ادرش گاه» قرار دارد و روز وفات وی، مورد احترام کلیمیان ایران و حتی خارج از کشور می‌باشد (مصاحبه و نوشته‌های خداداد گوهریان: ۱۳۹۸). این مزار، در قسمت جنوبی مزار جوی هرهر با مساحت تقریبی ۲۲ هزار متر مربع قرار دارد که با حصارکشی آجری و نصب

^۱. Yeroushalmi, BRILL, 2009, page 358, http://www.7dorim.com/Tasavir/madrese_aliance.asp, Blady, P. 65, Jason Aronson Inc, 2000.

امامی میبدی: تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران در دوره پهلوی... ۴۷

یک در فلزی، از دیگر بخش‌های قبرستان قدیمی جوی هرهر متمایز گردیده است. قبرستان اولیه یهودیان مقیم یزد، در محله مریم‌آباد بوده است (حدوداً از بدو ورودشان به یزد تا دوران صفویه) که بعدها نیز با توجه به اقامتشان در محله دروازه شاهی (مسجد جامع کنونی)، مزار آنها نیز به جوی هرهر انتقال داده شد. قبرهایی که در این مزار دیده می‌شود، با توجه به قدمتشان، فاقد سنگ قبر می‌باشند. امروزه قبرها به صورت آجری درست شده است. البته آنچه در این مزار دارای اهمیت می‌باشد، آرامگاه مقامات دینی خود به نام «هاراب» (بالاترین مقام دینی یهودی) و «خاخام» (مرتبه سوم از مقام دینی یهودیان) می‌باشد که در روزهایی خاص از سال، کلیمیان سراسر ایران به زیارت آن می‌روند. از جمله اشخاصی که در این آرامگاه دفن می‌باشند، می‌توان به «هاراو اور شرکاء بن هاراو شموئل» (یکصدوسی و پنجمین فرزند حضرت داوود می‌باشد که حدود ۲۰۰ سال گذشته در یزد سکنا داشته است) و «خاخام موشه معروف به ملا آقابابا» (سازنده کنیسه ملا آقابابا در محله دروازه شاهی) اشاره نمود. همچنین، در روبه‌روی آن، خرابه‌های سه آرامگاه دیده می‌شود که امروزه در حال بازسازی آن می‌باشند. گفتنی است این مزار، امروزه نیز کاربری خود را حفظ نموده است و انجمن کلیمیان یزد، در حال ساخت عناصر معماری نظیر: غسلخانه، مکانی برای استراحت و تجمع و اتاق سرایداری می‌باشد (تاج‌پور، ۱۳۴۴: ۱۳۹؛ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یزد، ۲۰۱۵).

گزارشی از داستان زیارتگاه «جوی هرهر» در یزد

هرساله در ۲۸ حشوان عبری، یهودیان ایران بر مزار «ملا اورشرگاء» جمع می‌شوند تا به مقام شامخ این عارف و دانشمند دینی یهودی ادای احترام نمایند. بیش از ۵۰۰ یهودی ایرانی از سراسر کشور در شهر یزد گرد می‌آیند و مزار این رهبر دینی را که بیش از دوپست سال از وفاتش می‌گذرد، گلباران می‌کنند (قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۰-۳۷؛ رشد بیگی، ۱۳۸۶، یهودیان ایران، ش ۲۱۶: www.iid.org.ir/newweb/Resouce).

نتیجه

در دوره پهلوی، در مجموع، روابط نسبتاً حسنه‌ای در زمینه تعاملات و تقابلات - با وجود برخی اختلاف‌ها - بین اقلیت یهود یزد با اکثریت مسلمانان ساکن در آنجا برقرار و محسوس بوده است. از جمله مهم‌ترین تعاملات اقتصادی یهودیان با مسلمانان در دوره پهلوی و کوشش این اقلیت در رونق اقتصادی یزد، تمرکز دکانین و تجمع تجار این اقلیت در حوالی بازار خان (بازار مرکزی یزد در آن دوره) می‌باشد. در زمینه آزادی‌های تحصیلی و انجام امور مذهبی، در مجموع دوره رضاشاه، اقلیت یهودی آزادی‌های بسیاری داشتند.

بحث نجاست یهود و نیز خصوصیات خاص نژاد اقلیت یهود و همچنین احکام فقهی اهل ذمه، با وجود مخالفت پهلوی، در نگاه علمای شیعه، سبب انزوا و ایجاد محدودیت‌هایی پُرفرازونشیب نسبت به اقلیت مزبور در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) شده است. در عین حال، فعال بودن دوازده کنیسه در محل‌های جنب و خلف مسجد جامع یزد که به چهارسوق مشهور است، حکایت از سیاست محافظه‌کارانه و پناه آوردن این اقلیت دوهزار نفری به مقدس‌ترین مرکز جامعه مسلمانان شیعه یزد دارد. از جمله عواملی که جای بحث و پژوهش بیشتر دارد و پیشنهاد می‌شود، این موارد است:

زمینه‌های مهاجرت اقلیت‌های مذهبی و علت‌یابی و رفع این دلایل؛ حفظ و نگهداری اماکن مذهبی منحصر به فرد اقلیت‌ها در یزد و مرمت آنها؛ ایجاد زمینه‌های مناسب و مسالمت‌آمیز و احترام متقابل بین مسلمانان و آنان؛ رفع هرگونه مشکل یا احیاناً زمینه‌های اختلاف بین همه اقلیت‌ها با مسلمانان و آزادی مذهبی آنها؛ البته در چهارچوب شرع و قانون.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.

الف. اسناد

۲. روحانی، حمید (۱۳۵۶). اسناد انقلاب اسلامی، بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی در ایران، ج ۱ و ۳، تهران: بنیاد تاریخ پژوهی ایران معاصر.
۳. سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۶، پاکت ۸۸۵.
۴. سند مورخ ۱۳۴۱/۸/۲۶، به نقل از: یاران امام به روایت اسناد ساواک.

ب. کتاب‌ها

۵. آفاری، ژانت (۲۰۱۵). از آوارگی تا استقرار، نک: سرشار، فرزندان استر.
۶. آمار از آموزش و پرورش استان یزد (۱۳۹۸).
۷. ابرامی، هوشنگ (۱۹۹۷). جهود نجس، لس آنجلس: نشر کتاب.
۸. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۷). شناخت انسان یزد، تهران: انتشارات هیرمند.
۹. امامی میبیدی، سید منصور (۱۳۹۱). اوضاع سیاسی فرهنگی یزد دوران پهلوی اول، یزد: نشر تیک.
۱۰. امامی، سید حسن (۱۳۸۹). حقوق مدنی، ج ۱، تهران: الإسلامیه.
۱۱. اوین، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز، مترجم: علی اکبر سعیدی، تهران: زوار.
۱۲. اورسل، ارنست (۱۳۵۳). سفرنامه قفقاز و ایران، مترجم: علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. بشارت، حسین (۱۳۸۶). یزد، شهر من، یزد: انتشارات اندیشمندان.
۱۴. بهار، مهرداد (۱۳۸۶). ادیان آسیایی، تهران: نشر چشمه.
۱۵. پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۸). شازده حمام، ج ۲ و ۳، مشهد: نشر پاپلی.
۱۶. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). ایران و ایرانیان، مترجم: کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
۱۷. تاج‌پور، محمود علی (۱۳۴۴). تاریخ در اقلیت مذهبی، یهود و مسیحیت در ایران، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
۱۸. تسخیری، محمد علی (۱۳۸۳). اقلیت‌های مسلمانان و راهکارها، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۹. تلمود فلسطینی، سوطا، ۱۶.
۲۰. تشکری بافتی، علی اکبر (۱۳۷۷). مشروطیت در یزد، تهران: مرکز یزدشناسی.

۵۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال یازدهم، شماره ۲۵، بهار ۱۴۰۲

۲۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۲۲. جمعی از نویسندگان، اطلاعات ارائه شده از کتابچه رضاشاه، غیرچاپی، سالنامه دبیرستان کیخسروی در اختیار دکتر میرحسینی عضو هیئت علمی تاریخ دانشگاه یزد.
۲۳. حسینی، اکرم، با همکاری محمدرضا شجاع (۱۳۸۲). سیمای میراث فرهنگی استان یزد، تهران: انتشارات و تولیدات فرهنگی سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۴. دی لوب، لورنس (۱۹۷۷). زندگی یهودیان در جنوب ایران، نشر گوردون و شکست.
۲۵. رجبی، محمدحسین (۱۳۷۴). زندگی نامه سیاسی امام خمینی، تهران: مؤسسه فرهنگی قلبه.
۲۶. رضوی، سیدمحمد (نواب وکیل) (۱۳۱۷). کشف الحقایق، یزد: نسخه خطی موجود در کتابخانه وزیری.
۲۷. رهبر، پرویز (۱۳۲۵). تاریخ یهود از اسارت بابل تا امروز، بی نا.
۲۸. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران، دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر، بایگانی شده از اصلی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۵، دریافت شده در: ۲۰۱۱/۰۵/۱۰.
۲۹. سرشار، هما (۱۹۹۶). تروعا یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر، تهران: انتشارات مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی.
۳۰. سرشار، هومن (۱۳۸۴). فرزندان استر (مجموعه مقالاتی در باره تاریخ و زندگانی یهودیان ایران)، مترجم: مهرناز نصیری، تهران: انتشارات کارنگ.
۳۱. سلیمی، زهره؛ زنده دل، حسن؛ نوزوی، محرم (۱۳۷۷). مجموعه جامع ایران گردی: استان یزد، مترجمان: شریف مطوف و محمدرضا نجم الدین، تهران: نشر مؤسسه تحقیقات و انتشارات کاروان جهان گردان.
۳۲. شاهرخ، کیخسرو (۱۳۵۵). یادداشت‌ها، به کوشش و زیرنویس: جهانگیری اشیدری، تهران: انتشارات پرچم.
۳۳. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۶). اقلیت‌های دینی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۳۴. شریعتی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). شهر من یزد، یزد: لاله کویر.
۳۵. عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۲ و ۲۴.
۳۶. عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۲۱۵-۱۳۳۲)، مترجم: یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
۳۷. قدیانی، عباس (۱۳۸۴). تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران: نشر فرهنگ مکتوب.
۳۸. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۲). تاریخ بیداری ایرانیان، به تصحیح: علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر امیرکبیر.

امامی میبدی: تحولات و تعاملات اقلیت یهودی ایران در دوره پهلوی... ۵۱

۳۹. کهن، یوسف (۱۹۹۳). گزارش خاطرات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، تهران: نشر شرکت کتاب.
۴۰. گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵).
۴۱. لوی، حبیب (۲۰۰۱). فرزندان استروتاریخ یهود ایران، به کوشش: هومن سرشار، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴۲. لوئیس، برنارد (۲۰۱۸). دائرة المعارف جودایکا، تهران: ایران.
۴۳. محمدی‌نیا، اسدالله (۱۳۸۲). فلسفه تکلیف برای نوجوانان، تهران: نشر سبط اکبر.
۴۴. مخبری، مهدی (۱۳۸۴). اقلیت‌های دینی، زرتشتی و کلیمی استان یزد، یزد: انتشارات وصال.
۴۵. مری شیل، لیدی (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل، مترجم: حسین ابوترابی‌ان، تهران: نشر نو.
۴۶. معاونت برنامه‌ریزی استانداری یزد (۱۳۵۸). اخبار کوزنستوزا، اوضاع سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران.
۴۷. موریتی هورویتنز، میچل (۲۰۰۵). دائرة المعارف یهودیت، تهران: انتشارات انفورماتیک. مول، ماریژان؛ هرترفلد، گیرشمن (۱۳۷۸). سرزمین جاویدان، مترجم: ذبیح‌الله منصوری، تهران: انتشارات زرین.
۴۸. ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). ایران در یک قرن پیش (سفرنامه ویلز)، مترجم: غلامحسین قراگوزلو، تهران: نشر اقبال.
۴۹. هاکس، مریت (۱۳۶۸). ایران؛ افسانه و واقعیت، مترجم: نظری‌نژاد و دیگران، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس.

ج. نشریات / مقالات

۵۰. اشیدری، جهانگیر (۱۳۵۵). «تاریخ پهلوی و زرتشتیان»، ماهنامه هوخ، تهران، ش ۲۵۵.
۵۱. رشد بیگی، زهرا (۱۳۸۶). «یهودیان ایران»، مؤسسه گفتگوی ادیان، ش ۲۱۶.
۵۲. روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۸۴۲، یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸.
۵۳. شمس اسفندآبادی، حمیدرضا؛ ناصر جدیدی، فیض‌الله بوشاسب گوشه (۱۳۹۴). «تعاملات اقلیت یهود یزد با مسلمانان در دوره قاجار»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تاریخ، سال یازدهم، زمستان، ش ۴۱.

د. مصاحبه

۵۴. مصاحبه و نوشته‌های خداداد گوهریان (۱۳۹۴). «نگهبان رستم‌باغ تهران پارس»، ۱۳۹۲/۴/۵.

ه منابع خارجی

55. Between Foreigners and Shi'is, Daniel Tsadik, p. 13, Stanford University Press, 2007.
56. D. Loeb, 1977, p. 24, Gordon and Breach.
57. Iran Facing Others: Identity Boundaries in a Historical Perspective, Abbas Amanat, Farzin Vejdani, Palgrave Macmillan, Feb 14, 2012, p. 236.
58. Jewish communities in exotic places, Ken Blady, P. 65, Jason Aronson Inc, 2000.
59. Jewish Identities in Iran: Resistance and Conversion to Islam and the Baha'i, Mehrdad Amanat, I.B.Tauris, Aug 29, 2013, P. 41.
60. Jews in Islamic Countries in the Middle Ages, Moshe Gil, BRILL, 2004, p. 58.
61. Lior Sternfeld, Iranian Studies, 6-47:6, 857-869, 2014.
62. Mattair, Thomas R. (2008). Global security watch--Iran: a reference handbook. ABC-CLIO. p. 3. ISBN 9780275994839. Retrieved 2010-09-24.
63. Milani, Abbas *The Shah*, London: Macmillan, 2011.
64. Outcaste: D. Loeb, 1977, p. 133, Gordon and Breach.
65. Outcaste: Jewish life in southern Iran, Laurence D. Loeb, 1977, p. 27, Gordon and Breach.
66. S. Simon, Michael Menachem Laskier, Sara Regue, Columbia University Press, 2013, P. 385.
67. Sephardi and Middle Eastern Jewries: Goldberg, Indiana University Press, 1996, P. 244.
68. The Jews of Iran in the Nineteenth Century, David Yerousalmi, BRILL, 2009, p. 358.
69. Yousef Cohen Reports & Memoirs - Member of Iranian Parliament Representing (303).

و. وبگاهها

1. www.7dorim.com
2. www.ajcarchives.org
3. www.bbc.com
4. www.iid.org
5. www.jta.org
6. www.fa.wikipedia.org